

سبک رفتار



نگاهی به پدیده مدرگرایی و تقلیدهای دور از منطق

آنان که دوست ندارند شکل خودشان باشند

مجید محمد

در روزگار کنونی گروه‌های مختلف اجتماعی برای اینکه بین هواداران و مخاطبان خود بهتر دیده شوند، از مؤلفه‌ها و نشانه‌های خاصی استفاده می‌کنند. استعمار و عادت در انجام آن را آن قدر قوت می‌بخشند تا در ذهن و خاطر مخاطبان خویش ماندنی تر و محفوظ باشند. رفته رفته علاقه‌مندی افراد جامعه نسبت به کسی یا کسانی که خاص بودند و

آیا عدم عزت نفس و کیفیت ویزی افراد باعث مدرگرایی می‌شود؟

موجت مد و مدرگرایی می‌تواند تا زمان عدم افراط و داشتن خط مشی درست خنثی باشد اما مشاهده می‌شود بسیاری از مدرگرایی‌ها، آسیب‌ها و مخاطراتی نیز همسرا دارد. بیشترین مدرگرایی در جامعه فعلی ما روی پوشش و ظواهر و تیپ افراد جامعه محوریت پیدا کرده است. نکته مهم و قابل تأملی که در اینجا حائز اهمیت است چرایی و چگونگی ماجرای تبعیت از مدرگرایی است. چرا افراد جامعه دچار چنین چیزی می‌شوند؟ دیده شدن و برجسته شدن به چه قیمتی! اینها در حالی رخ می‌دهد که اکثر مدگراها بر این باور هستند که ویژگی‌های درونی و عناوین ما اصلاً در نگاه مردم دیده نمی‌شود. شاید آن قدر که تیپ و مدل موی ما اصلاً مهم نیست چه برسد به فضایل اخلاقی ما. اما این باور غلط مدگراهاست چراکه نقش اجتماعی افراد را ویژگی‌های مثبت فرد می‌سازد نه تبعیت از مدهای مختلف. یک پوشک موفقیت و روش پوشش او مربوط به کدام گروه است. چیست و روح پوشش او مرتبط خود را کامل از دست مدگراها در دوره فعلی اصلاً توجهی به شأن و نقش اجتماعی خود نمی‌کنند. گاهی شاهد هستیم یک فرد در عنوان اجتماعی معلم یا دانشجو یا کارمند از پوششی استفاده می‌کند که شأن و منزلت خود را کامل از دست می‌دهد. گاهی اعتراض می‌کنند که ظاهر آدم‌ها اصلاً مهم نیست، من یک کارمند موفق هستم. این وجه تناقض شنیعی است که اگر بدین امر معتقد هستید چرا ظواهر خود را مطابق با عرف و شأن و شخصیت خود نمی‌کنید؟ اگر ظاهر مهم نیست چرا بیشتر از خود و درونیات خود به ظواهر اهمیت می‌دهید؟

افراط در مدرگرایی و سودجویی فرصت‌طلب‌ها
شاید باور این مسئله سخت باشد اما ممکن است شخصیت فردی در قالب یک مد بماند یا دچار اختلال شخصیتی شود یا به هر قیمتی دچار ضرارزش‌هایی بشود که به اشتباه آن

سبک ازدواج

وقتی عروسی‌های لاکچری مد می‌شود

زینب سیاحی*

مطمئناً شما هم یادتان می‌آید وقتی یک کارت عروسی به دستمان می‌رسید، چقدر ذوق می‌کردیم و خوشحال بودیم از اینکه به مراسم عروسی می‌رویم و برای یک روز هم که شده، از روزمرگی، اضطراب و شلوغی‌های زندگی شهرنشینی دور می‌شویم و برای ساعاتی خوش و سر حال خواهیم بود و به قولی، هم شاد هستیم و هم اقوام را ملاقات می‌کنیم. همه چیز صاف و ساده و بی‌الایش بود. اما امروز وقتی کارت عروسی به خانه‌هایمان می‌آید، به جای اینکه مثل قبل خوشحال شویم، تازه اضطراب و نگرانی تمام وجودمان را فرا می‌گیرد و فقط به این فکر می‌کنیم که چه لباسی بپوشیم، چقدر پول کنار بگذاریم، چه چیزی کادو بدهیم، لباس مان حتماً فلان مارک باشد و... اما این تنها یک طرف داستان است. سر دیگر این خط تجملات و چشم و هم‌چشمی و ریخت و پاش‌های اجتنابنی به عروس و داماد و خانواده آنان برمی‌گردد. مراسم‌های پر زرق و برقی که نه تنها باعث خوشحالی و پیوند دو زوج نمی‌شود، بلکه بیشتر باعث ایجاد اختلاف و دلشوره و نگرانی و بالا آوردن فرض‌های کلان و حتی سر تکب شدن کناه اسراف می‌شود. این وضعیت نشان می‌دهد مدرگرایی افراطی دامان ازدواج‌ها را گرفته و آسیب‌زاشده است.

جالب اینکه شرکت‌های برگزارکننده جشن‌ها و عروسی‌ها بسته به نوع خدماتی که ارائه می‌کنند، هزینه‌های متفاوتی دریافت می‌کنند. این هزینه‌ها از مرز ۱۴ میلیون شروع می‌شود تا صدها میلیون تومان. البته این مبلغ به وضعیت

را فرهنگ و ارزش مقتضی یا جامعه خودش بدانند. همیشه عده‌ای می‌گویند هر دوره‌ای نیاز و لازم و ملزوم‌های خودش را دارد. ندارد؟ بله دارد اما اصل که عوض‌شدنی نیست. مثل اینکه یک دوره‌ای عار و ننگ بود لباس کسی مدرس، کهنه و پاره باشد اما امروز می‌گوی چرا پیراهنت پاره پاره است؟ با بگوید اکنون دیگر این زشتی به حساب نمی‌آید و یک مد پهنجار هم هست! گاهی نمی‌دانیم که خود را بر پایه چه تئوری بی‌ارزش می‌کنیم.

عده‌ای سودجو و فرصت‌طلب همیشه دست همکاری به یکدیگر می‌دهند تا در جهت اثربخشی اهداف مشترک خود گام بردارند. افراد سودجو لباس‌ها را مغایر با شأن اجتماعی تولید می‌کنند و گاهی فرصت‌طلب‌ها در راستای اهداف خود افرادی را به کار می‌گیرند تا در شهر از پوشش‌های مورد نظر آنان استفاده کنند و دیده شوند، تا جایی که چشم مردم به این ناپسامانی عادت کند. آن وقت دیگر این نوع پوشش زشت نخواهد بود بلکه یک تیپ همگانی نادرست و اپیدمی شده بی‌اشکال خواهد بود. بی‌آنکه بدانند یا بدانیم و قصد داریم بدانید که این دگرگونی چه آسیب‌هایی در جامعه خواهد داشت.

خاتم‌مهرانگیز تاشک محقق و مدرس دانشگاه، روانشناس و رفتارشناس اجتماعی در این باره نظرانی را با ما مطرح کرده است که در ادامه این نوشتار می‌آید.

مدرگرایی طبیعی، مدرگرایی ناهنجار
مهرانگیز تاشک، محقق و مدرس دانشگاه، روانشناس و رفتارشناس اجتماعی
تأییدطلبی و نیاز به مورد توجه بودن از نگاه دیگران خصوصاً جنس مخالف و گروه همسالان و هویت‌یابی از هنجارهای رشدی این دوران محسوب می‌شود. نوجوان و جوان با تقلید از نوع لباس پوشیدن، طرز آرایش موها و حتی رفتار الگوهای هنری و ورزشی و فرهنگی محبوب خود، سعی در دستیابی به هویت خاص خود را دارد.

جوانانی که با خانواده خود روابط گرم و صمیمانه و همراه یا پذیرش دارند راحت‌تر می‌توانند این دوران پرهیجان

رشدی را پشت سر بگذارند و هویتی منسجم و محکم برای خود ایجاد کنند ولی اگر خانواده‌ها ویژگی رشد عادی این دوره را به رسمیت نناهند و مدام سلاقی فکری و اعتقادی خود را به جوانان تحمیل کنند ممکن است گذشتن از این دوره بحرانی، خطرانی برای نوجوانان و جوانان به همراه داشته باشد، از قبیل رو آوردن به افراط در مد و مخصوصاً مدرسه‌ای که در فرهنگ خانواده ناپهنجار و رویکردهای محسوب می‌شود یا گریزان شدن از خانواده و ورود به گروه‌های ناسالم و بز هکار. پس هر قدر جوان دارای عزت نفس بالاتر باشد و موفقیت‌های بیشتری را در زمینه‌های تحصیلی، هنری و ورزشی کسب کرده باشد، کمتر احتمال دارد که در گیر مدرگرایی افراطی شود و ارزشمندی و شخصیت خود را در خانواده و جامعه زیرسؤال ببرد.

یکی از اهداف صنعت مد و فشن، ایجاد نیازهای غیر ضروری درانسان‌ها و جوامع می‌باشد. بر اساس نظرات و رویکردهای روانشناسی انسان‌ها معمولاً دو سری نیاز و انگیزه‌های اساسی دارند که عبارت است از:

نیازهای اولیه و فیزیولوژیک از قبیل نیاز به رفغ رگسنگی، تنهایی و محافظت از خود (از قبیل پوشش هنگام سرما یا وجود سرپناه برای در امان ماندن از شر حیوانات خطرناک) و ادامه نسل یا بقای نسل (نیاز جنسی).

نیازهای ثانویه از قبیل نیاز به قدرت، پیشرفت و داد و ستد محبت، زیبایی‌دوستی، احترام، عزت نفس و این قبیل نیازها.

صنعت مد غالباً در چگونگی و کیفیت برآورده شدن این نیازها وارد عمل می‌شود که بالطبع با توجه به شرایط فرد، می‌تواند مثبت یا منفی تلقی شود. به‌طور مثال من قصد دارم موهایم را کوتاه کنم، مدل‌های جدید را می‌بینم و مدلی که هم جدید است و هم زیبا انتخاب می‌کنم و آرایشگرم همان مدل موهای مرا کوتاه می‌کند. از این نگاه مدرگرایی اختلالی در زندگی من ایجاد نمی‌کند ولی من اگر رنگ موهایم را دوست دارم ولی چون رنگ دیگری مد هست و من احساس فشار و تحمیل می‌کنم که هزینه

سبک زندگی

سبک زندگی ۸۸۴۹۸۴۷۱

درد

افراد سودجو لباس‌ها را مغایر با شأن اجتماعی تولید می‌کنند و گاهی فرصت‌طلب‌ها در راستای اهداف خود افرادی را به کار می‌گیرند تا در شهر از پوشش‌های مورد نظر آنان استفاده کنند و دیده شوند، تا جایی که چشم مردم به این ناپسامانی عادت کند. آن وقت یک تیپ نادرست و اپیدمی شده بی‌آنکه بدانیم این دگرگونی چه آسیب‌هایی در جامعه خواهد داشت

استقبال آن مدل هستیم که به یک مد تبدیل شده است. یا خواننده‌ای خلاف تصور غم‌انگیز بودن رنگ مشکی، یک مرتبه کل تیم هنری خود اعم از نوازنده و خواننده و گروه پشت صحنه و غیره در تمام سال‌های فعالیت مشکی پوشیده و این رنگ را رنگ عشق معرفی می‌کنند. مشکی پوش‌ها در جامعه با همان منطق «مشکی رنگ عشقه» بیشتر می‌شوند و کارخانه مدرگرایی حکایتی برای خود دارد.

زیادی را به خانواده وارد کنم تا هرنگ مد شوم اینجا اختلالی است که در زندگی من ایجاد می‌شود. در این حالت درد من از اینکه شکل خودم باشم فرار می‌کنم. و یا مثالی دیگر، بنده لباس‌هایی دارم که کاملاً نو هستند و می‌شود از آن استفاده کرد ولی طبق مد سال‌های اخیر نیستند پس من الان نیازی دارم که جزو نیازهای بنیادی من نیست چون لباس دارم، ولی اگر من از پوشیدن آن لباس‌ها و حاضر شدن در جامعه خجالت‌زده می‌شوم و احساس ضرورت می‌کنم برای خریدن لباس‌هایی که مطابق با مد سال باشند، هزینه غیر ضروری به خانواده و اجتماع تحمیل می‌کنم که از تبعات منفی مدرگرایی به حساب می‌آید، البته در این شرایط هم اگر من مشکلی در برآورده کردن نیازهای ضروری خودم و خانواده‌ام نداشته باشم کمتر ضرری را متحمل می‌شوم، ولی اگر در آن زمان نیازهای ضروری تری از افرادی‌گیری بپذیزد، فریزر، ثبت نام کلاس‌های زبان یا ورزشی هنری فرزندم ... نیز داشته باشم ولی این خرید غیر ضروری و مطابق با مد سال را به آنجا رهنج بدانم اینجا شروع آسیب و مشکل است که البته یک قسمت مربوط به معضلات مدرگرایی و قسمت اعظم آن مربوط به مشکلات شخصیتی و ضعف در اعتماد به نفس من می‌باشد که قدرت تحلیل و انتخاب مرا دستخوش ضعف و انفعال کرده است.

مدرگرایی یکی از پدیده‌های اجتماعی است که همه جوامع با آن روبه‌رو هستند. انسان به‌واسطه روحیه زیبایی‌دوستی و تنوع‌طلبی ممکن است تمایل به مدرگرایی داشته باشد که اگر آن را با وضعیت اقتصادی و فرهنگی خانواده و جامعه‌اش تطبیق دهد و در این زمینه از افراطی‌گیری بپرهیزد، مدرگرایی می‌تواند پهنجار باشد ولی اگر شخصی دارای اعتماد به‌نفس پایین و مشکلات و ضعف‌های شخصیتی باشد و قدرت انتخابی در کمیت و کیفیت به‌کارگیری مد در زندگی شخصی‌اش نداشته باشد مدرگرایی می‌تواند مد زندگی شخصی فرد را مختل کند و هم آثار زیانبار اقتصادی و فرهنگی برای اجتماع در بی داشته باشد.

عروس و دامادهایی که خوشبختی را فدای کلاس می‌کنند

با این همه تجمل و اسراف و به درد سر انداختن و زیر بار قرض‌های سنگین رفتن فقط برای یک شب آن‌هم تنها برای اینکه جشنی متفاوت داشت، جشنی که در یاد و خاطره مهمان‌ها بماند دوام زندگی تضمین می‌شود؟ هزینه‌هایی که می‌توانست صرف پول رهن خانه‌ای مناسب‌تر در منطقه‌ای بهتر یا خرید اتومبیلی مناسب یا پس‌انداز برای روزهای مبدا بشود.

این داستان جشن عروسی‌های امروز است که دیگر مختص خانواده‌های خاص نمی‌شود، بلکه خانواده‌هایی در سطح



بی‌مقدمه بی‌تعارف

۱۰ تصویر از مدزدگی و مدشدگی این روزهای مان

نام بچه را می‌گذاریم «شرلاندا» و «ایزتان» می‌گوییم مد است

مجید محمد

۱- کار از کار جووری گذشته که پدرش، مادرش، هر که او را نصیحت کند که: افراط نکن، این رنگ ننگ است، این لباس تنگ است، عکس روی پیراهنت مربوط به یک آدم خنگ است که در تیمارستان فلان کشور ست؛ انکار منگ است و حرفت را به پیشیزی قابل نمی‌داند. دست آخر هم می‌گوید پدر من تو منحجری، از مد افتادی.

۲- هنوز یک سال نشده‌اما چون دیگر از مد افتاده است باید به هر قیمتی تا عید نشده فرش، موکت، مبلم، کمد و هر چه تیر و تخته در خانه است رنگ سال (پوست اسبی) بشود. اصلاً زشت ست، خواهرش می‌گوید: «وا، شما هنوز روی این میل دمه‌ها می‌شینین؟» تا حرف هم می‌زنی به نقل از دکتر هستی جان از شبکه نقلی آن طرف آبی هزار اراجیف می‌گویند که اقتضای هر دوره‌ای ست و مد خودش را دارد. اصلاً به شما چه مربوطه؟ مگه ما تو کار شما دخالت می‌کنیم؟ این روزها هم که مد شده است، به کسی چه مربوط است هر کس آزاد است هر غلطی (منظور مان کار غلط است) دلش می‌خواهد بکند. آنها به دین خود، شما هم به کیش خود.

۳- تکه‌تکه از آسمان برف می‌آید. هوا پس ناچومرندانه سرد است. همه کار و زندگی خود را ول کرده‌اند، باید با برف عکس گرفته و پروفایل خود را به‌روز کنند. مد شده است با هر مناسبت و رخدادی واکنشی سریع‌تر نشان بدهیم، هر که در این راه عجله کند موفق است و عجله کار شیطان نیست! این نصیحت هم از مد افتاده است.

۴- تصادف، ازدحام جمعیت، خون، یک نفر در جاده دارد می‌سپارد جان. هیچ کس به او زانس خیر نمی‌دهد. آن که این خیر داغ را در فضای مجازی اول پخش کند، می‌دانید چه می‌شود؟ هیچی اول می‌شود! این که چیزی نیست مد شده است همه از پرواز مگس تا لحظه انستارت زدن پیسر خواهر عموی فلان بازیگر که منسوب به فلان کارمند ساده بیچاره وزارت ارشاد است فیلم گرفته و در تمام فضای



مجازی پخش کنند، چرا! چون مهم است. کافی است رویت را بر گردانی از خودت که هیچ از پشت صحنه‌های زندگی‌ات فیلم گرفته اپریت را دست به دست می‌کنند. بعد استاد در دانشگاه هم می‌گویند این اقتضای مدرگرایی در این دوره است، ایرادش چیست؟ چون طرفداری از اینها هم مد شده است.

۵- مد شده است دفاع از حقوق سگ! نمی‌دانید چسه وقت‌هایی تلف می‌کنند و چه هزینه‌هایی می‌کنند می‌روند کمپین راه می‌اندازند به گربه‌ها گوشت می‌دهند عکس سلفی می‌اندازند و جواری لذت می‌برند که انگار با یک نابغه عکس گرفته‌اند. من

نمی‌گویم سمندر باش یا پروانه باش گر به فکر سوختن افتاده‌ای مرانه باش. می‌دانی چند نفر در همسایگی‌ات گرسنه می‌خوانند؟ چرا در راز بقای حیوانات دستکاری می‌کنید؟ می‌دانید اگر به گربه غذا بدهید دیگر موش نمی‌خورد؟ این چه مد و هنجاری است راه انداخته‌اید. دفاع از حقوق حیوانات؟ در جامعه مدنی؟ مگر ما در جنگل هستیم؟ مد شده است هر که پارک می‌رود سگت خود را هم می‌برد، از محیط زیست را خراب کردن و ترس بعضی‌ها از سگ و... که بگذریم، جالب است بدانید اینها در خدمت سگ‌شان هستند، افسار آن را گرفته هر جا برود می‌روند، سگ جلوتر از صاحب خود می‌رود، بی‌خود نیست می‌گویند اسب حیوان نجیبی است افسارش

درد

مد شده است ماشین‌ها آکو چنگ داشته باشند تا صدای موسیقی که در حقیقت فالش‌ترین موسیقی دنیاست را همسه پیش‌نوند، حالا کسان ما را به شگ‌وامی دارد. ۱۱- کلاب فرادی بعد از این: لباس عاقبت و عاقبت به خیری مد زمانه‌مان باشد...